

دکتر میرزا محمد حسنی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد، شاهرود

Mohamadhassani68@yahoo.com

سنگ نگاره پارتنی کال جنگال بیرجند

چکیده

خراسان بزرگ به عنوان خاستگاه پارتیان به نحو سوال برانگیزی با فقر آثار تاریخی دوره پارتنی مواجه است کشف سنگ نگاره و کتیبه پارتنی کال جنگال بیرجند در سال ۱۳۳۰ به عنوان یکی از معدود آثار این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این تحقیق سعی شده با بررسی تمامی تحقیقات صورت گرفته تحلیلی جدید و جامع از این اثر ارائه گردد. بنابراین با بررسی موضوعی سنگ نگاره که صحنه نبرد یک جنگجو با شیر را نمایش می دهد و موضوعی از این دست در هنر ایران باستان در دوره های قبل و بعد از دوره پارتنی نیز رواج داشته، سعی شده است یک تحلیل جامع از موضوع سنگ نگاره با مقایسه آن با دیگر آثار موجود از جمله سنگ نگاره پارتنی لاج مزار و نقش برجسته الیمایی تنگ سروک صورت گیرد. همچنین با بررسی عناوین به کار رفته در کتیبه پارتنی این اثر مقام سیاسی فرد دارنده این عناوین از دیدگاه نظامات سیاسی دوره پارتنی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: بیرجند، کال جنگال، سنگ نگاره پارتنی، کتیبه پارتنی، گر اردشیر.

مقدمه

هنر حجاری صخره‌ای در ایران سابقه‌ای کهن دارد این هنر در طول تاریخ ایران باستان با فراز و نشیب به حیات پر بار خود ادامه داد. کهن‌ترین نقوش صخره‌ای ایران، نقوش آنوبانی‌نی در سرپل ذهاب، مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد است این هنر در دوره هخامنشی به اوج اعتلای خود می‌رسد. اما این هنر پر مخاطب به یک باره با یک وقفه طولانی در دوره اشکانی مواجه می‌شود و دیگر بار با ظهور ساسانیان رونق هنری خود را باز می‌یابد. محدود بودن نقوش برجسته دوره اشکانی و سبک نازل هنری آن در مقایسه با هنر هخامنشی و ساسانی مورد بررسی و تحلیل‌های گوناگون قرار گرفته است. اما امروزه با کشفیات جدید و بررسی‌های صورت گرفته ثابت شده است که هنر حجاری صخره‌ای اشکانی کارنامه‌ای نسبتاً قابل قبول از خود ارائه داده است. به طور کلی در تحقیقات صورت گرفته در گذشته ۹ نقش و بعدها ۱۴ نقش برجسته از دوره اشکانی معرفی شده است. از این مجموعه سه نقش برجسته در بیستون، یکی در سرپل ذهاب و ده نقش برجسته در الیمایی مشخص شده‌اند. به این مجموعه باید سنگ‌نگاره‌های لاخ مزار و کال جنگال بیرجند را نیز اضافه کرد. هر چند این آثار در تعاریف باستان‌شناسی به عنوان سنگ‌نگاره (Carved Stone) معرفی شده‌اند نه نقش برجسته (Relief). اما به طور کلی این کشفیات را نیز می‌توان در زیرمجموعه هنر حجاری صخره‌ای دوره اشکانی (شامل نقش برجسته و سنگ‌نگاره) قرار داد. اهمیت زیاد آثار حجاری دوره اشکانی در موضوعاتی است که به آنها پرداخته شده است. موضوعاتی مانند: اعطای منصب به صورت ایستاده و سواره، صحنه ادای احترام به شاه، صحنه شکار و جنگ سواران نخستین بار در هنر پارسی جلوه می‌کند و به صورت گسترده در هنر الیمایی و بعدها در هنر دوره ساسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این نظر نقوش دوره اشکانی را به عنوان

پل ارتباطی و حد واسط انتقال مفاهیم از هنر هخامنشی به هنر دوره الیمایی و ساسانی معرفی می‌کند.

معرفی و ریشه‌یابی نام سنگ نگاره کال جنگال:

سنگ نگاره کال جنگال در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب غربی بیرجند واقع است. کال جنگال نام یکی از دره‌های عمیق کوه «رچ» از روستاهای بخش خوسف است. بر روی صخره‌های این دره پیکره‌ها و نوشته‌هایی به زبان پهلوی اشکانی نقش شده است. یکی از مهم‌ترین این نقوش، نگاره مردی در جدال با شیر است این نگاره در حدود ۱۶۴ سانتی‌متر طول و ۱۲۳ سانتی‌متر عرض دارد و بر روی تخته سنگی صیقلی و سیاه حک شده است.^۱ این اثر برای نخستین بار در سال ۱۳۳۰ شمسی توسط رضایی و کیا معرفی شده است.^۲ این سنگ نگاره در بردارنده صحنه مبارزه مردی با یک شیر با دست خالی است. شاید براساس همین تصویر، نام این محل را کال جنگال نامیده‌اند. زیرا در گویش بیرجندی «کال» به معنی چال و گودی و «جنگال» به معنی جنگ و جنگجوست.^۳ فرای به استناد شنیده‌هایش از مردم روستای خوسف، نام این محل را «کال جنگگاه» می‌داند و نه جنگال.^۴ مشکور نام این مکان را با توجه به تلفظ رایج در محل «کالچنگال» ثبت کرده است.^۵

بررسی موضوعی سنگ‌نگاره

۱- مردی به حالت ایستاده مورد حمله یک شیر قرار گرفته و در حال مبارزه با شیر می‌باشد. (شکل - ۱) صحنه مبارزه با شیر یا حیوانات دیگر نظیر گاو، گوزن، و حیوانات اسطوره‌ای در ایران و دیگر کشورها قدمتی دیرینه دارد. در خاور نزدیک و خصوصاً در بین‌النهرین می‌توان نقوش بر جای مانده از این گونه تصاویر را دید. نمونه‌های از موضوعاتی از این دست را می‌توان بر مظهرهای استوانه‌ای، نقش برجسته آشور بانی پال و

نقوش هخامنشی و الیمایی و ساسانی مشاهده کرد. اما نکته حائز اهمیت این است که در نقوش پارسی، نقشی که شاه یا پهلوانی را در حال کشتن شیر نشان دهد، مشاهده نشده است و تنها مورد گزارش شده تاکنون سنگ‌نگاره کال جنگال بیرجند است.^۶ تنها نمونه قابل مقایسه با سنگ‌نگاره کال جنگال یکی از نقس برجسته‌های تنگ سروک در ۵۰ کیلومتری شمال بهبهان است. این اثر مربوط به دوره اشکانی ولی در سرزمین الیمایی قرار دارد و جزئی از هنر حجاری صخره‌ای الیمایی است. در این صحنه فردی (شاهزاده‌ای؟) در حال خفه کردن شیری است. با مقایسه این دو اثر به عنوان تنها نمونه‌های معرفی شده از دوره اشکانی تشابهات موضوعی آنها آشکار می‌شود. در سنگ‌نگاره کال جنگال مرد جنگجو دست راست را بر کمر قرار داده است و با دست چپ ضربه‌ای به سر و گردن شیر وارد می‌کند و در حال مبارزه با شیر با دست خالی است. هر چند دقت در دست چپ مرد این شبه را به وجود می‌آورد که او در دستش شئی نظیر یک قطعه سنگ را دارد و ضربه را با آن وارد کرده است. مرد مبارز در سنگ‌نگاره کال جنگال هیچگونه سلاحی با خود حمل نمی‌کند. در نقش برجسته تنگ سروک فرد مبارز برخلاف نگاره کال جنگال شمشیری با خود حمل می‌کند و دست چپش را بر قبضه شمشیر قرار داده است ولی در مبارزه با شیر از سلاح خود استفاده نمی‌کند.^۷ (شکل ۲-۲) نمایش مبارزه با شیر و با دست خالی در هنر پارسی، برخلاف سبک رایج در نمایش مبارزه شاه با پهلوانان با شیر یا سایر حیوانات در هنر آشوری، هخامنشی و ساسانی است که معمولاً فرد مبارز در نبرد با حیوان مهاجم خنجر یا نیزه‌ای کوتاه و یا سپری کوچک در دست دارد. احتمالاً هنرمندان پارسی در تصویر کردن نقوش مبارزه با شیر، آن هم دست خالی، قصد نمایش قدرت زیاد و رشادت مرد مبارز را داشته‌اند. از ویژگی‌های دیگر نگاره مبارزه با شیر در هنر پارسی جنبه واقع‌گرایانه آن است و این برخلاف نقوش هخامنشی است که شاه یا پهلوان در حال

مبارزه با یک حیوان اسطوره‌ای است. دووال معتقد است صحنه نبرد با شیران در هنر باستان یک فرانمایی است و حالت نمادین دارد و بر جرأت و جسارت شاه تأکید ورزیده و نبرد او را با عناصر سرکش و متمرد جهان را نشان می‌دهد.^۸ نکته قابل ذکر دیگر این است که در نقش برجسته تنگ سروک مرد مبارز به شیوه غالب در هنر پارتی تمام رخ تصویر شده است. نمایش تمام رخ در هنر پارتی رواج داشته است و از این طریق با بیننده ارتباط برقرار می‌شده است.^۹ ولی در سنگ نگاره کال جنگال مرد مبارز به صورت نیم رخ تصویر شده است.

۲- مرد دارای ریش انبوهی ولی ریش‌های او بافته نشده است و دارای سبیل‌هایی است که نوک آن رو به بالا است.

۳- مرد دارای موهای بلندی است و گیسوان بافته نشده او بر روی دوش او ریخته است. موهای بلند مرد در نزدیکی ابروها توسط یک نوار یا روبان بسته شده و مانع پریشان شدن موهای او بر چهره اش شده است. نمونه پر تکلف تر و کامل تر این روبان ها که حالت نیم تاج را پیدا کرده است را می‌توان در دیگر آثار پارتی از جمله در نیم تاج مجسمه مفرغی مرد شیمی و روبان سر مرمین کشف شده در شیمی نیز مشاهده کرد. جنس این روبان ها به احتمال قوی از جنس پارچه و شاید هم چرم بوده است. این روبان ها در پشت سر گره خورده و دو انتهای آن، آنگونه که بر اغلب سکه‌های اشکانی ملاحظه می‌شود تا ناحیه گردن آویزان شده ولی در سنگ نگاره کال جنگال آویزه پشت آن نمایان نیست. گدار با بررسی مجسمه مرد شیمی و نیم تاج او اشاره می‌کند که این شیوه آرایش یعنی موهای انبوه که با نواری فشرده شده از زمان مهرداد اول تا زمان آخرین پادشاه اشکانی مشاهده می‌شود. اما با در نظر گرفتن اندازه تزئینات و ارزش و اهمیت این پیشانی


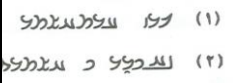
بند می‌توان دریافت که دارنده آن پادشاهی اشکانی است یا حاکمی ساده که به رسم ساکنین پایتخت آن زمان لباس پوشیده است.^{۱۰}

۴- لباس مرد از دو قسمت تشکیل شده است. او دارای پیراهن نسبتاً بلندی است که تا بالای زانوان او را پوشانده است. پیراهن او دارای آستین‌های بلند و یقه‌ای گرد است. وجود دو خط ساده بر کمر بیانگر وجود کمربندی است که بصورت ساده نمایش داده شده است. این شخص زیر پیراهن خود شلواری بلند پوشیده است. در قسمت پائین در محل پاچه‌های شلوار چین و چروک شلوار با خطوطی نمایش داده شده است. تن پوش مرد فاقد حواشی زینتی است. بر مچ دست‌های مرد آثاری از دو خط موازی دیده می‌شود که بیانگر تلاش هنرمند جهت نمایش لبه آستین پیراهن یا به احتمال ضعیف تر نمایش یک جفت دستبند ساده بر مچ دستان مرد است. کفش یا نیم چکمه مرد فاقد بند است و دارای پاشنه کوچکی است. (لنگه چپ) و لنگه راست کفش به نمایش در نیامده است.

۵- زانوی سمت چپ مرد جهت کنترل حمله شیر خمیده شده است و مرد با ستون قرار دادن پای راستش توانسته ضربه حاصله از حمله را مهار کند. انتخاب این شیوه توسط هنرمند حجار جهت نمایش حرکت در صحنه بوده است. اما نمایش حرکت در این سنگ نگاره مانند دیگر آثار پارتی نسبتاً ناموفق است. و این از ویژگی‌های بارز نقوش پارتی است که در آن پیوند درونی بین پیکره‌ها از بین می‌رود و ترکیب بندی نقوشی نیز تا حدود زیادی ایستا است.^{۱۱}

۶- هنرمند با ترسیم خطوط به خوبی موفق به نمایش اجزای بدن شیر شده است. هر چند نگاره شیر در کال جنگال در مقایسه با شیری که در لاج مزار نمایش داده شده است از سطح نازل تر هنری برخوردار است و اجزاء بدن شیر لاج مزار بسیار زنده و پویا تصویر شده است. (شکل ۳-۳) شیر در نگاره کال جنگال بر روی دو پای خود حالت

جهش گرفته است. و با یک دست خود در حال وارد کردن ضربه به شکم مرد می‌باشد.

برگردان	آوانویسی	حرف نویسی	متن پهلوی اشکانی	قرائت
۱- گر اردشیر ۲- نخودار و خشرب	1. gar-artaxšahr 2. <i>naxwadār ut xšahrap</i>	1. gry' rthštr 2. nhwdr w hštrp	(۱)  (۲)	رضایی و کیا
			(۱)  (۲)	اکبرزاده

دم شیر رو به سمت بالا و به نشانه تحریک و خشمگین بودن شیر نمایش داده شده است. شیر فاقد یال و کوپال است و بنظر می‌رسد یک شیر ماده باشد. اما شیر نگاره لآخ مزار دارای یال و کوپال است و یک شیر نر است.

بررسی کتیبه پارتهی اثر

بر فضای تسطیح شده بالای بدن شیر و در مقابل تصویر مرد جنگجو دو خط کتیبه پهلوی اشکانی نقر شده است. متن این کتیبه دارای ۲۱ حرف است. ترجمه متن کتیبه بدین صورت است:^{۱۲}

متن کوتاه کتیبه اشاره به نام فردی دارد به نام «گر اردشیر» که از او تحت عنوان نخودار و خشرب (یا ساتراپ) یاد شده است. فرای به استناد عکس و ترجمه‌ای که هنینگ از کتیبه منتشر کرده بود^{۱۳} حدس می‌زند مردی که در حال نبرد با شیر است احتمالاً همان گر اردشیر نام برده شده در کتیبه است. و او را احتمالاً فرمانروای این نواحی می‌داند. او نام گر اردشیر را دارای همانندی با نوشته سفالینه‌های نساء بنام Garifarn می‌داند.^{۱۴} نام اردشیر علاوه بر کتیبه کال جنگال چندین بار در کتیبه‌های پارتهی لآخ مزار در ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند نیز تکرار شده است. این نامها به صورت «اردشیر خدای» و «اردشیر» مشاهده می‌شود.^{۱۵} حتی اگر نامهای اردشیر مذکور در کتیبه‌های لآخ مزار ارتباطی با گر اردشیر کتیبه کال جنگال نداشته باشد تکرار این نام نشانه رواج و اهمیت و قدرت سیاسی اردشیر

نامی در دوره مورد بحث یعنی اواخر دوره اشکانی و اوایل ساسانی در این منطقه است. اما مشخص کردن محدوده قلمرو فرمانروایی گر اردشیر به سختی امکان پذیر است. زیرا مشخص کردن حدود مرزهای ایالت پارت در دوره اشکانی همواره با دشواری‌هایی مواجه است. در بررسی‌های صورت گرفته و به استناد منابع و متون جغرافیایی ولایت پارت در دوره اشکانی تا جنوب خراسان، تا گناباد و بیرجند پیش می‌رفته است و کتیبه پارتی کال جنگال در نزدیکی بیرجند تا اندازه‌ای این فرضیه را تأیید می‌کند.^{۱۶}

القاب و عناوینی که گر اردشیر به استناد کتیبه داراست شامل دو مقام است: «نخوذار» یا «نوخدار» (nhwdr/naxwadhār) که به معنی «دارنده نخستین جایگاه» است. دارنده این مقام از سوی دولت مرکزی منصوب می‌گردید.^{۱۷}

فرای nhwdr دوره اشکانی را با استناد به نوشته‌های آمین مارسلن با nohadares به معنی «دوستان ممتاز و معدود فرمانروا» مقایسه می‌کند. وی معتقد است منصب یا پایه nohadar به معنی «دارنده نخستین پایگاه» در زبان ارمنی به صورت واژه naxarar یعنی «سربرگان» آمده است.^{۱۸}

لباف خانیکی و بشاش در تحلیلی متفاوت از واژه نخودار مندرج در کتیبه کال جنگال، آن را با کلمه «نوزوت» به معنی کسی که پس از اجرای مراسم «ناوبر» به درجه پیشوایی مذهبی یا هیربدی می‌رسد مقایسه می‌کنند. این مراسم شامل مراسم مذهبی مهم کستی بستن در آئین زرتشت است که «نوزوت» یا «نوزود» نامیده می‌شود. و یک زرتشتی پس از اجرای آن مراسم یک «نابر» یا «ناوبر» که درجه پیشوایی دینی یا هیربدی است نائل می‌گردد.^{۱۹} بنابراین شاید بتوان برای این واژه جدا از کاربرد سیاسی آن یک معنی مذهبی نیز

حلدس زد.

عنوان دومین مقامی که گر اردشیر در کتیبه کال جنگال داراست [http://xshahrp](#) است، که یک اصطلاح پارتی و به مفهوم شهربان (ساتراپ) است و شاید در زمان اشکانی به معنای فرمانروای شهر بوده است. چنانچه در کتیبه کعبه زرتشت شاپور اول در نقش رستم این واژه به آن معنی بکار رفته است.^{۲۰}

دیاکونف معتقد است ساتراپ ظاهراً بیشتر در نواحی جنوبی و نخودار در بخشهای شمالی (پارتی زبان) متداول بوده است و اصطلاح «نخار» که به معنی رئیس ناحیه یا ایالت است در ارمنستان باستانی از این کلمه ریشه گرفته است.^{۲۱}

بکار گیری القاب متعدد نشانه پیچیدگی مقامات بزرگان در دوره اشکانی است که بی شک در جاهای دیگر قلمرو پارتیان همانندهای بسیاری داشته است. مشکل اصلی در این مورد باز شناختن پایه از شغل یا منصب است و این مشکل در کتیبه کال جنگال نیز مشاهده می شود. فرای نخودار بکار رفته در این کتیبه را بیشتر پایه می داند تا منصب. ولی نظر مخالف با نظر خودش را که توسط ویدنگرن ارائه شده را نیز مطرح می کند ویدنگرن این واژه را هم یک لقب فئودالی و هم یک مقام می داند.

فرای در یک نتیجه گیری کلی عنوان می کند که ایرانیان بیشتر از لقبهای خویش یاد می کردند نه از نام هایشان، این بی شک از خصوصیات دوران اشکانیان نیز بوده است که شناختن ساختمان فئودالی و دستگاه حکومتی پارتیان را بسیار دشوار می سازد.^{۲۲}

در دوره مورد بحث شهربانان پایه دستگاه اداری پارتیان به شمار می آمدند. اما پایگاه ایشان در برابر آنچه در دوران هخامنشی بود بسیار ناچیز تر گشته بود. احتمالاً شهربانان در پی سلطه مقدونیان و سلوکیان، جایگاه اجتماعی خود را از دست داده بودند و ساتراپی ها دیگر به وسعت ساتراپی های دوره هخامنشی نبود و به مناطق کوچکتری تقسیم شده بودند، که آن را اصطلاحاً «پارخی» می گفتند. ساتراپ و شهربان در این دوره دیگر قدرت بلامنازع در ایالت نبود بلکه صرفاً وظیفه دیوانی داشت و یک خزانه دار هم در کنار او

ناظر امور مالی ایالت بود. کاهش قدرت شهریانان سبب شد تا حاکمان محلی به تدریج از دستگاه ساتراپی فاصله بگیرند و خود را پادشاه بدانند.^{۲۳}

قدمت اثر

در تحقیقات صورت گرفته و با توجه به کتیبه پارتی اثر، قدمت آن را محتملاً مربوط به نیمه اول قرن سوم میلادی و متعلق به شاهزادگان اشکانی می‌دانند.^{۲۴}

واندنبرگ با بیان اهمیت کشفیات بیرجند در شناسایی وضعیت تمدن پارتی در خراسان، محتملاً نقوش کال جنگال بیرجند را متعلق به ابتدای دوره ساسانی می‌داند.^{۲۵} اشمیت نیز این اثر را با ضریبی از احتمال جزء تقسیم بندی کتیبه‌های کوچک ابتدای دوره ساسانی قرار داده است.^{۲۶}

بنابراین با مبنای قرار دادن سال ۲۲۴ میلادی به عنوان سال سقوط اشکانیان و شروع قدرتگیری ساسانیان، این اثر می‌تواند در آخرین دهه از دوره اشکانی یا در ابتدای دوره ساسانی بوجود آمده باشد. چنانچه دو نگاره تراشیده شده بر دیواره و درگاه‌های تخت جمشید که مربوط به شاپور بابکان برادر اردشیر اول ساسانی و بابک پدر اردشیر است^{۲۷} نشان می‌دهد تراشیدن نگاره‌هایی از این دست، که می‌توان آن را پیش زمینه هنر نقش برجسته تراشی ساسانی دانست، در پایان دوره اشکانی رواج داشته است.

چنانچه ذکر شد نام اردشیر علاوه بر کتیبه کال جنگال به صورت مکرر در کتیبه‌های پارتی لاج مزار نیز تکرار گشته است. بشاش معتقد است که اردشیر خدای مذکور در کتیبه لاج مزار احتمالاً همان اردشیر بابکان است و صخره لاج مزار مورد توجه و شاید تقدیس در زمان ساسانی بوده است.^{۲۸}

اگر این نظریه را بپذیریم و با توجه به ذکر نام اردشیر در کتیبه کال جنگال می‌توان نتیجه گرفت اردشیر نامی قدرت را در اواخر اشکانی یا به احتمال قویتر همزمان با قدرتگیری ساسانیان و ابتدای این دوره، در این منطقه بر عهده داشته است.

نتیجه گیری

سنگ نگاره کال جنگال بیرجند به عنوان تنها سنگ نگاره کشف شده از دوره اشکانی به موضوع مبارزه شاه یا پهلوان با شیر پرداخته است که در ایران و بین النهرین از سابقه‌ای کهن برخوردار است. شیر حیوان بومی ایران و بین النهرین بوده و شکار آن برای شاهان و اشراف و پهلوانان ایرانی کاری مهم و نشانه رشادت و دلوری آنها بوده است. نمونه‌هایی از این صحنه‌های مبارزه با شیر در دوران‌های مختلف تاریخ ایران باستان بر روی درگاه‌های تخت جمشید، بر صخره‌ها و مهرها و حتی ظروف نقره ساسانی به نمایش در آمده است و بیانگر علاقه به نمایش و تجسم این صحنه بوده است. گروهی نبرد با شیر را رمز و نشانه پیروزی نیکی بر بدی دانسته‌اند و عده‌ای نشانه‌هایی از پرستش میترا را در آن حدس زده‌اند. آنچه مسلم است در سنگ نگاره کال جنگال بر خلاف بسیاری از صحنه‌های شکار شیر در دوره‌های قبل، فرد مبارز در یک صحنه واقعی یا رئال برای اثبات دلوری و شهامت خود با دست خالی با شیر مبارزه می‌کند و جنبه اسطوره‌ای ندارد. اهمیت دیگر این نگاره کتیبه آن است. هر چند کتیبه این اثر کوتاه و فقط در دو خط نوشته شده است اما کمک شایانی به شناسایی هویت مرد مبارز و تعیین قدمت اثر می‌کند. در ترجمه‌های صورت گرفته از کتیبه نام فرد مبارز به عنوان فرمانروا و شهربان آن نواحی، گر اردشیر معرفی شده است. تکرار نام اردشیر در کتیبه‌های متعدد لاج مزار بیرجند بیانگر قدرت سیاسی اردشیر یا افرادی بدین نام و یا شهرت این نام در آن نواحی بوده است. قدمت اثر نیز با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مربوط به اواخر دوره اشکانی و به احتمال قوی تر ابتدای دوره ساسانی تشخیص داده شده است.



شکل ۱: طراحی سنگ نگاره کال جنگال و کتیبه پارتی آن



تنگ سروک II: زاویه شمالی و سطح شمال غربی

شکل ۲: نقش برجسته تنگ سروک

شکل ۳- سنگ نگاره لاخ مزار- بیرجند



شکل ۴: سنگ نگاره کال جنگال - بیرجند

فهرست تصاویر:

- شکل ۱: طراحی شکل ۱ توسط خانم فاطمه خرم پور، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان در دانشگاه آزاد شاهرود صورت گرفته است.
- شکل ۲: تنگ سروک II، برگرفته از: واندنبرگ، لویی و شیپمان، کلاوس، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ص ۸۴، طرح ۱۱.
- شکل ۳: نگاره شیر لایخ مزار، برگرفته از لباف خانیکی، رجبعلی و بشاش کنزق، رسول، سنگ نگاره لایخ مزار - بیرجند، لوحه ۱۵، ص ۴۷.
- شکل ۴: عکس سنگ نگاره کال جنگال، برگرفته از: بیرجند، شهر یادگارهای تاریخی، مدیریت میراث فرهنگی بیرجند، ۱۳۸۱، ص ۲۰.

یادداشت‌ها:

- ۱- محمدی‌فر، یعقوب، باستانشناسی و هنر اشکانی، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۹۵.
- ۲- رضایی، جمال و کیا، صادق، گزارش نوشته‌ها و پیکرهای کال جنگال، ایران کوده، ۱۳۳۰، شماره ۱۴، ص ۷، برای نخستین بار به معرفی نگاره و کتیبه پارتی اثر پرداخته‌اند.
- ۳- محمدی‌فر، باستانشناسی و هنر اشکانی، ص ۹۵، ۹۶.
- ۴- فرای، ریچارد. ن، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۴۴۷ نت ۵۸.
- ۵- مشکور، محمد جواد، تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۴، ص ۷.
- ۶- شفیعی، فاطمه، دومین نقش برجسته ساسانی در دارابگرد، اثر، ۱۳۸۳، شماره ۳۷-۳۶، ص ۱۹۵-۱۹۳.
- ۷- واندنبرگ، لویی و شیپمان، کلاوس، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۸۶.
- ۸- دووال، اریک، نقش برجسته‌های صخره‌ای، در ایران باستان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.
- ۹- همان، ص ۱۴۴؛ هرمان، جورجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۷۱.
- ۱۰- گدار، آندره، گدار، یدا، سیرو، ماکسیم، آثار ایران، ابوالحسن سر و مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، جلد ۲، صص ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۳ و ۱۳۷؛ تصاویر ۱۱۹، ۱۳۴ و ۱۳۷، جهت مقایسه نوار پیشانی بند در مجسمه مفرغی و سر مرمین شیمی با سنگ نگاره کال جنگال.
- ۱۱- دووال، نقش برجسته‌های صخره‌ای، ص ۱۴۴.
- ۱۲- اکبرزاده، داریوش، کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی)، تهران، پازنیه، ۱۳۸۲، ص ۱۷ و ۷؛ محمدی‌فر در باستانشناسی و هنر اشکانی صفحه ۹۵ این ترجمه را از متن کتیبه ارائه نموده است: «پدر اردشیر نخور شهریان» یا «من اردشیر پسر شاپور شهریانم» که اشتباه است زیرا در متن ۲۱ حرفی کتیبه هیچ کلمه‌ای که دلالت بر وجود نام شاپور کند وجود ندارد.
- ۱۳- به نقل از فرای، میراث باستانی ایران، ص ۴۴۷؛ نت ۵۸؛

- ^{۱۴}- فرای، میراث باستانی ایران، ص ۴۴۷، نت ۵۸.
- ^{۱۵}- لباف خانیکی، رجبعلی و بشاش کنزق، رسول، سلسله مقالات پژوهشی (۱) سنگ نگاره لاخ مزار، بیرجند، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳، صص ۶۴، ۵۸ و ۶۲.
- ^{۱۶}- بیوار، ا. د. ه. تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان، در تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده احسان یار شاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، جلد سوم قسمت اول، ص ۱۲۸.
- ^{۱۷}- میرسعیدی، نادر، سلوکیان و اشکانیان، تهران، ققنوس، ۱۳۸۷، ص ۷۸.
- ^{۱۸}- فرای، ریچارد. ن، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶.
- ^{۱۹}- لباف خانیکی؛ بشاش کنزق، سلسله مقالات پژوهشی (۱) سنگ نگاره لاخ مزار، ص ۷۲ و ۷۳.
- ^{۲۰}- فرای، ریچارد. ن، همان، ص ۳۱۲.
- ^{۲۱}- دیاکونف، م.م، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۷۸، ص ۱۷۱.
- ^{۲۲}- فرای، ریچارد. ن، همان، ص ۳۱۳ و ۴۴۷ نت ۵۹.
- ^{۲۳}- بروسیوس، ماریا، ایران باستان، ترجمه عیسی عبدی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.
- ^{۲۴}- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، ۱۳۸۶، ص ۷۸.
- ^{۲۵}- واندنبرگ، لویی، باستانشناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۵.
- ^{۲۶}- اشمیت، رودیگر، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه، آرمان بختیاری، عکسبهرامی و...، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۳.
- ^{۲۷}- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۴. شکل ۴۰۱ و ۴۰۲، به معرفی نگاره بابک و فرزندش شاپور می پردازد.
- ^{۲۸}- لباف خانیکی؛ بشاش کنزق، سلسله مقالات پژوهشی (۱) سنگ نگاره لاخ مزار، ص ۳۱ و ۲۹ نت ۶۹.